

مقدمه

بازی بخشی مهم از زندگی کودکان را تشکیل می‌دهد. آن‌ها از طریق بازی سرگرم می‌شوند، یاد می‌گیرند، رشد می‌کنند، رفتارهای جدید می‌آموزند و فرصت شناخت دنیای پیرامونشان را کسب می‌کنند. بازی، هم‌چنین مهم‌ترین راه برای بیان احساسات و عواطف کودکان است؛ آن‌ها به وسیله بازی کردن با اطرافیان خود ارتباط برقرار می‌کنند. بسیاری از بازی‌هایی که کودکان در طول رشد خود انجام می‌دهند، تأثیر زیادی بر تجارب بزرگسالی آن‌ها دارد. بازی خوب می‌تواند شخصیت کودک را بسازد و روح انسان دوستی، مشارکت و همکاری در او به وجود آورد. از این‌رو والدین و مربیان می‌توانند وسایل و ابزارهای مختلفی در اختیار کودک قرار دهند که نه تنها کودکان با آن‌ها سرگرم شوند، بلکه مفاهیم و ارزش‌های بسیاری از آن‌ها بیاموزند. به بیان دیگر، بازی و اسباب‌بازی می‌تواند رابطه‌ای بین کودک و فرهنگ جامعه‌اش برقرار کند و موجب آماده‌سازی جسمی، فکری و عاطفی او برای ورود به دنیای بزرگسالان باشد.

بازی، بخشی مهم از زندگی کودکان

نگار خاکپور - تهران



فواید بازی

بازی یکی از عوامل مؤثر در رشد کودکان است. کودکان از طریق بازی‌های گوناگونی که انجام می‌دهند، مهارت‌های بی‌شماری کسب می‌کنند. بازی، استعدادها، توانایی‌ها و قابلیت‌های کودکان را پرورش می‌دهد و موجب تقویت ذهن، جسم و روان آنان می‌شود. کودکان خردسال با استفاده از روش کوشش - خطا و تجربه‌ای که در حین بازی به دست می‌آورند، سعی می‌کنند قوانین و پدیده‌های اطرافشان را بشناسند و روش‌های تسلط بر آن‌ها را بیازمایند. به طور کلی، برای معرفی فواید بازی برای کودکان، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: (مهجور، ۱۳۷۰)

- بازی، موجب رشد و پیشرفت مهارت‌های گوناگون کودکان می‌شود.
- بازی، فرصت‌های زیادی برای یادگیری کودکان فراهم می‌آورد.
- کودک از طریق بازی انرژی درونی خود را تخلیه می‌کند.
- بازی، راهی برای غلبه بر احساسات و هیجانات شدید عاطفی است.
- بازی، موجب رشد سالم و سلامت روانی کودک می‌شود.
- بازی، امکانی برای کشف پدیده‌های ناشناخته توسط کودک را فراهم می‌آورد.

برای پرورش مهارت‌ها و

توانایی‌های گوناگون کودکان و

انتخاب نوع بازی‌های مورد نیاز

آنان باید به ویژگی‌های رشد

آنها توجه کرد. بدیهی است که با

شناخت این خصوصیات می‌توان

بازی‌هایی برای کودکان طراحی

کرد که تأثیر بیش‌تری بر تقویت

جسم و ذهن آنها داشته باشد.

- کودک از طریق بازی بسیاری از مفاهیم گوناگون را می‌آموزد.
- بازی، موجب پرورش زبان و مهارت‌های کلامی کودکان می‌شود.
- کودکان از طریق بازی با ارزش‌های اخلاقی آشنا می‌شوند.
- کودکان نظم و قانون حاکم بر زندگی اجتماعی را از طریق بازی یاد می‌گیرند.
- بازی روح سازگاری، تفاهم و همدلی را در کودکان رشد و پرورش می‌دهد.

بازی برای کودکان عین زندگی است. کودکان می‌توانند از طریق بازی با اسباب‌بازی‌هایشان، تجسمی از زندگی واقعی در ذهن خود بسازند. هدف بازی نه تنها باید شاد کردن کودکان باشد، بلکه باید فعالیت‌های گوناگون را هم به آن‌ها بیاموزد. کودکان از طریق بازی‌های مختلف که با اسباب‌بازی‌های خود انجام می‌دهند، اعتماد به نفس لازم برای روبه‌رو شدن با شرایط و موقعیت‌های آینده را به دست می‌آورند. آن‌ها از طریق بازی با انواع جورچین‌ها، مکعب‌ها، مهره‌ها و سرهم‌کردنی‌ها، مهارت‌های حرکتی دست‌ها، هماهنگی بین چشم و دست و قدرت تفکر خود را پرورش می‌دهند. زمانی که در حیاط باتوپ بازی می‌کنند، واگن‌های خود ساختمشان را می‌کشند، تاب می‌خورند، الاکلنگ و سرسره سوار می‌شوند و طناب‌بازی می‌کنند، قدرت عضلات دست و پایشان را تقویت می‌کنند. آن‌ها از طریق بازی با عروسک‌ها، ماشین‌ها، قطارها، هواپیماها، وسایل خانگی کوچک و... نقش‌های مختلف زندگی را فرامی‌گیرند و تصویری از وظایف افراد مختلف جامعه را در ذهن خود می‌پروراندند. والدین و مربیان باید بدانند که علاقه و اشتیاق کودکان به بازی، نشانه سلامت عقل و کنجکاوی آن‌هاست. کودکی که بازی، بخشی از زندگی روزانه او را تشکیل می‌دهد، نسبت به کودک گوشه‌گیر و منزوی، از اخلاق و رفتار فردی - اجتماعی مناسب‌تری برخوردار است.

مراحل مختلف رشد و بازی در کودکان

برای پرورش مهارت‌ها و توانایی‌های گوناگون کودکان و انتخاب نوع بازی‌های مورد نیاز آنان باید به ویژگی‌های رشد آنها توجه کرد. بدیهی است که با شناخت این خصوصیات می‌توان بازی‌هایی برای کودکان طراحی کرد که تأثیر بیش‌تری بر تقویت جسم و ذهن آنها داشته باشد. در این جا به بررسی مراحل رشد کودک و انواع بازی‌های متناسب با سن آنها می‌پردازیم: (SHERIDAN, 1999)



الف) از تولد تا ۱۲ ماهگی

مادر، پدر و اطرافیان نزدیک کودک می‌توانند به هنگام رفع نیازهای اولیه کودک، با استفاده از روش‌های گوناگونی که به کار می‌برند، توجه و حواس پنج‌گانه او را تحریک کنند. پاسخ‌هایی که کودک به رفتارهای نزدیکانش می‌دهد، دلیلی بر لذت بردن، شادی و نشاط اوست. او از همان ماه‌های نخستین تولد خود، دوست دارد بازی کند. هنگامی که شیر می‌خورد، کمی مکث می‌کند، به اطراف نگاه می‌کند و اگر عاملی موجب تحریک او شود، مشغول بازیگوشی می‌شود. او به تدریج می‌آموزد که هنگام مشاهده اطرافیان می‌تواند چیزهای زیادی یاد بگیرد. نوزاد در ۶ هفتگی، از طریق گوش دادن، مشاهده کردن و حرکات بدنی‌اش به رفتارهای والدین و اطرافیان خود توجه می‌کند و نسبت به چهره‌های آشنا عکس‌العمل نشان می‌دهد.

او خیلی زود یاد می‌گیرد که چگونه با عکس‌العمل‌های خود، اطرافیان را نسبت به نیازها و خواست‌هایش آگاه کند. به تدریج که بزرگ‌تر می‌شود و حواس او رشد می‌یابند، یاد می‌گیرد که چگونه با حرکت دادن دست‌ها و باز و بسته کردن آن‌ها می‌تواند اشیا را در دست نگه دارد.

اغلب نوزادان در ۱۲ هفتگی قادرند بین حرکات چشم و دستشان ارتباط برقرار کنند. اگر کودک را به پشت روی زمین بخوابانید، او می‌تواند دست‌هایش را بالای سرش نگه دارد و با انگشتانش بازی کند. هم‌چنین اگر روی سینه بخوابد قادر است سرش را بالا نگه دارد و دست‌هایش را به دو طرف باز کند. در این حالت اگر اسباب‌بازی کوچکی در اختیار او قرار دهید، قادر است آن را در دست نگه دارد. هم‌چنین زمانی که کودک را در آغوش بگیرید و جفجغه‌ای سبک به دست او

بدهید، قادر است با تکان دادن آن صدایش را درآورد، اما هنوز نمی‌تواند ارتباطی بین حرکت دستش و صدا برقرار کند. نوزاد در ۱۴ هفتگی، قادر است اسباب‌بازی را در دستش نگه دارد و با دقت به آن نگاه کند.

نوزاد در حدود ۲۰ - ۱۸ هفتگی، می‌تواند خودش را به سمت اسباب‌بازی بکشانند، آن را در دست بگیرد و به آن خیره شود. در این مرحله سنی او می‌تواند جغجغه‌اش را تکان دهد و به طرف دهانش ببرد. او به راحتی اسباب‌بازی را بین دو دستش نگه می‌دارد و با جا به جا کردن آن در میان انگشتانش سعی می‌کند ماهیچه‌های دستش را قوی کند. هم چنین می‌تواند با باز و بسته کردن دست‌هایش اسباب‌بازی را رها کند و اگر دوباره آن را به دستش بدهید، دوباره آن را بگیرد. اگر کودک را در این مرحله سنی به پشت بخوابانید، به راحتی پایش را در دست می‌گیرد و آن را به دهان می‌برد. به عبارت دیگر، بین حرکت پا و چشمش ارتباط برقرار می‌کند.

کودک ۶ ماهه کنترل بیش‌تری بر حرکات بدن خود به دست آورده است و می‌تواند به طور هدفمند بازوها و دست‌هایش را برای گرفتن اشیاء دراز کند. اگر هنگام بازی عروسک او از دستش بیفتد و از محدوده دیدش دور شود، از نظر او دیگر عروسک وجود ندارد. در حدود ۷ - ۶ ماهگی کودک می‌نشیند و می‌تواند در محدوده اطراف خودش به دنبال اجسام بگردد. هم چنین توجه زیادی به اشیای ریز می‌کند و می‌تواند با انگشت اشاره‌اش آن‌ها را نشان دهد. زمانی که کودک شش ماهه توپی را هل می‌دهد و متوجه چرخش آن می‌شود، در حقیقت لذتی از این کار خود می‌برد که او را تشویق به تکرار عملش می‌کند. به تدریج که قدرت و توانایی کودک رشد می‌یابد، مهارت‌های حرکتی دیگر خود را از طریق بازی‌هایی که انجام می‌دهد، تقویت می‌کند. این بار او توپ را هل می‌دهد، به دنبال آن سینه خیز می‌رود و دوباره آن را به دست می‌آورد. زمانی که به نه ماهگی می‌رسد، هنوز هم محدودیت‌های حرکتی او مانع از فعالیت‌های بیش‌ترش می‌شود. او باز هم باید تلاش کند تا اشیای پیرامونش را به طریقی به دست آورد، با آن‌ها بازی کند و خصوصیات هر یک را بسنجد. او یاد می‌گیرد که توپ می‌چرخد و دور می‌شود، جغجغه صدا تولید می‌کند و فرفره می‌چرخد. در این مرحله اگر اسباب‌بازی‌اش را زیر پارچه‌ای پنهان کنید، با بلند کردن پارچه، آن را پیدا می‌کند.

کودک در ۱۲ ماهگی، قادر است دستش را به اطراف (مبل، صندلی، میز دیوار و...) بگیرد و با فشار بر زانوها و پاهای خود بایستد. او به صحبت‌های اطرافیانش خوب گوش می‌دهد و آن‌چه را که از او می‌خواهند، انجام می‌دهد. اگر مداد شمعی کلفتی به دست او بدهید می‌تواند با گرفتن انتهای آن خطی بر روی کاغذ بکشد. در حدود ۱۲ ماهگی ماهیچه‌ها و عضلات کودک قدری قوی‌تر شده است و می‌تواند با پا به توپ ضربه‌ای بزند و با سرعت بیش‌تری به دنبال وسایل و اسباب‌بازی‌ها برود.

کودک در ۱۸ - ۱۲ ماهگی با دقت بیش‌تری به جزئیات توجه می‌کند و کنترل و تسلط بیش‌تری بر ماهیچه‌ها و حرکات آن‌ها دارد. کودک ۱/۵ ساله می‌تواند با تکرار کارها و فعالیت‌های اطرافیانش اعمال آن‌ها را تقلید کند. علاقه شدید کودک به کشف پدیده‌های جدید، دست‌کاری اسباب‌بازی‌ها و افزایش حرکات بدنی، موجب رشد حواس پنج‌گانه او می‌شود. در ۱۴ ماهگی از تماشای عکس‌های کتاب‌ها لذت می‌برد. در ۱۴ ماهگی از گذاشتن عروسک‌ها و اسباب‌بازی‌هایش درون یک سطل یا جعبه لذت می‌برد. در ۱۶ ماهگی با کارکرد برخی از اشیاء آشنا شده است و می‌تواند آن‌ها را به کار گیرد. برای مثال، اگر به دست او شانه یا برس دهید، موهایش را شانه می‌کند و اگر به دست او

بازی یکی از عوامل مؤثر در رشد

کودکان است. کودکان از طریق

بازی‌های گوناگونی که انجام

می‌دهند، مهارت‌های بی‌شماری

کسب می‌کنند. بازی، استعدادها،

توانایی‌ها و قابلیت‌های کودکان را

پرورش می‌دهد و موجب تقویت

ذهن، جسم و روان آنان می‌شود.

قاشق دهید، آن را به دهانش می‌برد.

در ۲۴ - ۱۸ ماهگی، کودک از کشیدن و هل دادن چرخ دستی، ماشین، کالسکه عروسکی یا حتی جعبه‌ای چرخدار بسیار لذت می‌برد. اگر او را روی سه چرخه پایبی کوچکی بگذارید، می‌تواند با فشار دادن پاهایش به زمین به خوبی حرکت کند. کودک در این مرحله سنی دوست دارد بازی خاصی را چندین بار تکرار کند. برای مثال، با گذاشتن مکعب‌ها بر روی یکدیگر، ریختن آن‌ها و چیدن مجدد آن‌ها، مدت‌ها سرگرم می‌شود، یا از مرتب کردن پازل‌های درشت (۵ تکه‌ای) خیلی لذت می‌برد. او ممکن است چندین بار آن را خراب و درست کند و از این کار خود خسته نشود. اگر مداد کلفت یا مداد شمعی به دست او بدهید، قادر است با گرفتن آن در بین انگشتان سیابه و شست خود بر روی کاغذ خطی بکشد. در ۱۸ ماهگی می‌تواند به طور نمادین با اطرافیانش ارتباط برقرار کند و خواست‌های خود را به آن‌ها بفهماند. والدین نیز

می‌توانند از طریق کلمات و نشانه‌های قراردادی خود با کودکشان رابطه برقرار کنند. او می‌تواند با تکان دادن لیوانش (حتی لیوان خیالی‌اش) به مادر یا پدرش بفهماند که تشنه است و آب می‌خواهد و پس از چند ثانیه به آب برسد. بزرگسالان نیز با استفاده از بازی‌هایی که با کودک انجام می‌دهند، می‌توانند آموزش‌های خود را شروع کنند. برای مثال،

زمانی که مادر کودک را تاب می‌دهد، او نیز شروع به پاسخ دادن به رفتارهای مادرش می‌کند. اگر تاب دادن خیلی با شدت صورت گیرد، کودک گریه را

سرخواهد داد و از این طریق به مادرش می‌فهماند که آهسته‌تر تاب بدهد. کودک هنگام تعاملات خود با اطرفیان پی‌به‌نکات جدیدی می‌برد. برای مثال، در بازی دالی موشک، کودک یاد می‌گیرد که اشیا و افراد دور و برش چند لحظه‌ای مخفی می‌شوند و سپس دوباره ظاهر می‌گردند. در ۱۹ ماهگی می‌تواند به صورت چهار دست و پا از پله‌ها بالا برود.

در ۲۰ ماهگی از اسباب‌بازی‌هایی که صدا دارد، رنگی و قابل جابه‌جا کردن‌اند، لذت می‌برد. هم چنین کودک از ۱۸ ماهگی به بعد شروع به تولید صداهایی از دهان خود می‌کند. این صداها به صورت هدفمند و هم آوا با کلمه اصلی ادا می‌شوند. برای مثال، ماما (مامان)، تو (توپ)، د (دست) و...

او در عین حال که بسیاری از گفته‌های سایرین را می‌فهمد، ولی به دلیل عدم رشد کافی اندام‌های گویایی هنوز قادر به بیان کلمات و واژگان نیست.

در حدود ۲۱ ماهگی سعی می‌کند جمله‌هایی دو کلمه‌ای بگوید، مثل: باباز (بابا رفت)، ماما کو (مامان کجاست) و...



در این مرحله سنی کودک از انجام بازی‌های تقلیدی لذت می‌برد و دوست دارد کارهای دیگران را تکرار کند. برای مثال، هنگامی که پدر با تلفن صحبت می‌کند، او هم با تلفن اسباب‌بازی‌اش صحبت می‌کند، یا به عروسکش شیر می‌دهد.

کودک در ۲ سالگی از تولید

این کارها همگی موجب تقویت مهارت‌های عضله‌های آن‌ها می‌شود. زمانی که مداد شمعی به دست می‌گیرند، آن را بین دو انگشت شست و سیب‌خورد خود قرار می‌دهند. رنگ‌ها و اشکال گوناگون را به خوبی تشخیص می‌دهند و اگر اسم رنگ‌ها یا اشکال را با آن‌ها تمرین کنند، می‌توانند آن‌ها را شناسایی کنند. نخ کردن مهره‌های درشت را نیز دوست دارند، این کار موجب تقویت ماهیچه‌های کوچک دست‌هایشان می‌شود.

کودک ۲/۵ ساله از کشیدن برس آب رنگ بر روی کاغذی بزرگ لذت می‌برد. او می‌تواند با ترکیب کردن رنگ‌های گوناگون، رنگ‌های جدیدی بسازد.

از این مرحله سنی به بعد است که کودک سعی می‌کند با پرسیدن سؤال‌های بی‌شمار و متنوع درباره پدیده‌های اطرافش، اطلاعاتی کسب کند، قدرت تجسم و خلاقه او نیز به تدریج قوی‌تر می‌شود و می‌تواند با انجام بازی‌های نمایشی گوناگون نقش‌های زیادی بازی کند.

از آن جا که کودک ۳ ساله هنوز ناتوان از خواندن است، از مشاهده عکس‌های کتاب‌ها، مجله‌ها و روزنامه‌ها لذت می‌برد. از تکرار کارها و فعالیت‌های اطرافیان خوشش می‌آید. دوست دارد ظرف بشوید، اتاق جارو کند، غذا بپزد و... از این طریق کودک یاد می‌گیرد که دنیا را از دید آنان نگاه کند. کودکان ۴ - ۵ ساله از رشد جسمانی بسیار خوبی برخوردارند. آنان در طی سال چهارم زندگی‌شان شیوه‌های

بازی، وسیله‌ای ارتباطی برای کودک است. کودک از طریق بازی نقاط ضعف و قوت خود را می‌شناسد، شیوه تعامل با همسن و سالانش را یاد می‌گیرد، روش‌های سرپیچی یا اطاعت از قوانین را تمرین می‌کند و احساسات و عواطف گوناگون را می‌آزماید.

صداهای ساده کودکانه بسیار لذت می‌برد. اگر طبلی در اختیار او قرار دهید، دوست دارد با ضربه زدن بر روی آن، تولید صدا کند یا اگر شیپوری به دست او بدهید، دوست دارد با دمیدن در آن صدایش را درآورد.

کودک ۲ ساله از شنیدن داستان‌های کوتاه و ماجراهای ساده لذت می‌برد و دوست دارد کتاب‌های عکس‌دار را ورق بزند و تصویرهای آن را تماشا کند. این علاقه به کتاب‌های تصویری، کلمات و جملات برای رشد کلامی کودک بسیار با ارزش است و به او کمک می‌کند تا با درک و فهم بیشتری به گفتار اطرافیان توجه کند.

کودک هم چنین در سال دوم زندگی‌اش آگاهی بیشتری نسبت به توانایی‌ها و عملکردهای خود کسب کرده است و می‌تواند فنجان کوچک خود را در دست بگیرد و قاشق را به دهانش ببرد.

کودکان ۳ - ۲ ساله، از انجام انواع بازی‌های گوناگون لذت می‌برند. آنان با پرورش توانایی‌های مختلف خود درصدد کنترل اندام‌ها و تسلط بر محیط و پدیده‌هایش بر می‌آیند. سه چرخه‌های کوچک پدال‌دار، ضربه زدن به توپ با پا، بالا رفتن از پله‌ها، میز و صندلی را به راحتی انجام می‌دهند. دویدن و پریدن از فعالیت‌های جسمانی مورد علاقه آن‌هاست. بازی‌های ساختنی و سرهم کردنی را با مهارت بیشتری انجام می‌دهند. می‌توانند با گذاشتن ۶ یا ۷ مکعب بر روی هم برجی بسازند.



می تواند اشکال ساده‌ای بسازد.

از شنیدن ماجراها و داستان‌های کودکان لذت می‌برد و با دقت بیشتری موضوع داستان را دنبال می‌کند. نقاشی و رنگ‌آمیزی، بخشی از سرگرمی‌های روزانه‌اش است. از نواختن سازهای کودکانه خوشش می‌آید و می‌تواند شعرهای ساده را حفظ کند.



گوناگون اجتماعی شدن را یاد می‌گیرند. بازی‌های گروهی، بازی در محیط باز و بازی در زمین بازی را بسیار دوست دارند. شخصیت آن‌ها روز به روز پیچیده‌تر می‌شود و نیاز به صحبت کردن، برنامه‌ریزی، همکاری و تبعیت از قوانین در آن‌ها شکل می‌گیرد.



مهارت‌های کلامی این گروه از کودکان بسیار رشد یافته است و می‌توانند با تسلط بر موضوع، داستان و ماجرابی را تعریف کنند. آن‌ها از شنیدن معما، لطیفه، ضرب‌المثل و حکایت لذت می‌برند. هنگام انجام بازی‌های گروهی دوست دارند هر یک نقشی خاص را به عهده بگیرند. از کنجکاوی، کشف و یافتن پاسخ‌های علمی ساده نیز بسیار خوشحال می‌شوند.



کودکان ۷ - ۶ ساله، هر روز ارتباط بیشتری با یکدیگر برقرار می‌کنند و از بازی‌های خیالی (مامان بازی، معلم بازی، فروشگاه بازی و...) و پذیرش نقش‌های گوناگون لذت می‌برند. از انجام بازی‌های گروهی (گرگم به هوا، قایم باشک، وسطی و...) استقبال می‌کنند، ولی هنوز علاقه‌ای به مسابقه‌های ورزشی ندارند، زیرا تحمل شکست و باخت را هنوز در خود حس نمی‌کنند. در این گروه سنی از کودکان، دخترها و پسرها علاقه زیادی به بازی‌های مشترک هر دو

کودک چهار ساله می‌تواند بر روی یک خط، با حفظ تعادلش راه برود. او اکنون با مهارت و تسلط بیشتری می‌دود. پلکان را یکی یکی به حالت ایستاده و روان بالا می‌رود. پریدن از فاصله کوتاه را دوست دارد. به

راحتی سه چرخه را پامی‌زند و در گوشه‌ها

دور می‌زند. بازی‌های خیالی از مورد علاقه‌ترین بازی‌های این دوره سنی‌اند. از این که مدت‌ها نقش یک قهرمان و یک ماجراجور را بازی کند، بسیار لذت می‌برد.

در انجام بازی‌های ساختنی تبحر و مهارت زیادی یافته است، قیچی را به راحتی به دست می‌گیرد، قطعه‌های پازل‌های ریز را با حوصله کنار هم می‌گذارد و می‌تواند با سرهم کردن آجرهای خانه‌سازی (لگو) خانه‌ای کوچک برای بازی بسازد. خمیربازی و بازی با گل رس را دوست دارد و

جنس دارند و برایشان تفاوت نمی‌کند که هم بازی آن‌ها پسر است یا دختر.

نقاشی‌های آن‌ها از زیبایی و ظرافت بیش‌تری برخوردار شده است و می‌توانند درباره آن چه کشیده‌اند، صحبت کنند. از گفتن و شنیدن حکایت‌های ساده و ماجراهای روزانه لذت می‌برند و دوست دارند با تکرار و شنیدن یک داستان آن را کاملاً بفهمند.

طناب‌بازی، سرسره بازی، تاب بازی، بازی با الاکلنگ، بالا رفتن از نردبان طنابی و... را با تسلط و مهارت بیش‌تری انجام می‌دهند. از اکتشاف و یافتن رازهای طبیعت بسیار لذت می‌برند و دوست دارند آزمایش‌های ساده اجسام را انجام دهند. از موسیقی و نواختن آهنگ‌های ساده کودکانه لذت می‌برند.

توانایی یادگیری کودک خردسال و پیش‌دستانی بیش‌تر و سریع‌تر از سال‌های دیگر زندگی اوست. اگر بتوان محیطی سرشار از سرگرمی‌های متنوع و محرک‌های لازم برای کودک فراهم کرد، می‌توان او را با موضوع‌های جالبی نیز آشنا ساخت. در این خصوص نقش والدین و مربیان کودک در ایجاد فرصت‌های یادگیری، ایجاد انگیزه، راهنمایی و هدایت کودک برای فراگیری مهارت‌های جدید و انجام بازی‌های خلاق بسیار مهم و اساسی است.

انواع بازی‌های کودکان

بازی، وسیله‌ای ارتباطی برای کودک است. کودک از طریق بازی نقاط ضعف و قوت خود را می‌شناسد، شیوه تعامل با همسن و سالانش را یاد می‌گیرد، روش‌های سرپیچی یا اطاعت از قوانین را تمرین می‌کند و احساسات و عواطف گوناگون را می‌آزماید. انواع بازی‌های کودکان عبارت‌اند از:

(همان منبع)

● بازی‌های پر جنب و جوش

این گروه از بازی‌ها موجب رشد حرکتی - جسمانی کودکان می‌شود. آن‌ها در حین انجام این بازی‌ها از سر، بدن، دست و پای خود استفاده می‌کنند، می‌ایستند، می‌دوند، از پلکان یا طناب بالا می‌روند، به توپ ضربه می‌زنند، توپ را می‌گیرند و... این بازی‌ها هم چنین برای پرورش هماهنگی بین اندام‌های مختلف بدن بسیار مفیدند.

● بازی‌های اکتشافی و دستی

این گونه بازی‌ها به طور معمول از سن ۳ ماهگی با بازی با انگشتان آغاز می‌شود و برای هماهنگی بین چشم و فعالیت‌های دستی بسیار سودمندند. از آن جا که کودک دوست دارد اشیای اطرافش را در دست بگیرد و آن‌ها را مدتی در دست‌هایش بچرخاند، نگاه دارد، صدایش را درآورد، بکند و به دهان ببرد، می‌تواند موجب تقویت حواس پنج‌گانه کودک شود.

● بازی‌های تقلیدی

نوزادان و کودکان خردسال از طریق الگوبرداری از رفتارهای نزدیکان و تکرار کارهای آنان، به ویژگی‌های ارتباطات و تعاملات بین افراد پی می‌برند. بازی‌های تقلیدی بازی‌هایی است که کودک از طریق مشاهده اعمال دیگران و تشخیص نمادها آن را یاد می‌گیرند و تکرار می‌کنند. برای مثال، کودک بعد از یک بار رفتن به کتابخانه با والدینش و مشاهده کارها و رفتارهای کتابدار، می‌تواند به راحتی نقش یک کتابدار را بازی کند و با دوستان و همسن و سالانش بخش نمایش از یک کتابخانه را صحنه سازی کنند. کودک بازی‌های تقلیدی را زود فرا می‌گیرد. در حقیقت از همان ماه اول زندگی می‌تواند با تقلید از حرکات صورت پدر و مادرش (بیرون آوردن زبان، اخم کردن، دهان باز کردن و...) این گونه بازی‌ها را یاد بگیرد.

بازی‌های ساختنی موجب تقویت

مهارت‌های ذهنی و قوه خلاقه کودک می‌شوند. او یاد می‌گیرد که چگونه با روی هم گذاشتن مکعب‌ها، مهره‌ها، کارت‌ها و... خانه و برجی بسازد. او از طریق سرهم کردن ماکت‌ها و اجزای مختلف اسباب‌بازی‌هایش می‌تواند قدرت شناخت خود را بالا ببرد.

● بازی‌های ساختنی

بازی‌های ساختنی موجب تقویت مهارت‌های ذهنی و قوه خلاقه کودک می‌شوند. او یاد می‌گیرد که چگونه با روی هم گذاشتن مکعب‌ها، مهره‌ها، کارت‌ها و... خانه و برجی بسازد. او از طریق سرهم کردن ماکت‌ها و اجزای مختلف اسباب‌بازی‌هایش می‌تواند قدرت شناخت خود را بالا ببرد.

بازی‌های تقلیدی، انعکاسی است از آن چه کودک در اطراف خود می‌بیند و می‌شنود. والدین و مربیان چنان چه قصدشان پرورش مهارت‌های اجتماعی گوناگون کودک است، می‌توانند با ارائه الگوها و رفتارهای افراد مختلف جامعه، کودک را با نقش‌ها، وظایف، مناسبات و روابط بین افراد آشنا سازند.



نوع دوستی و پیروی از قوانین بازی را یاد می‌دهند. بیش‌تر کودکان از سن ۵ سالگی به بعد - یعنی زمانی که کودکان بازی در گروه‌های کوچک را شروع می‌کنند - به انجام این نوع بازی‌ها می‌پردازند. کودکان بزرگ‌تر که تحمل پذیرش شکست و باخت را دارند، به بازی‌های تیمی - ورزشی می‌پردازند.

● بازی‌های خیالی

هم‌چنان که توانایی پاسخ‌گویی نمادین کودک به محرکات بیرونی گسترش می‌یابد، به تدریج به بازی‌های خیالی روی می‌آورد که به نوبه خود موجب رشد قوای ذهنی کودک می‌شود. در این گونه بازی‌های پیچیده، کودک طرح بازی خاصی را در ذهن خود مجسم می‌کند، نقش افراد را می‌آفریند و افکار و احساسات خود را درباره دنیای پیرامونش به آن‌ها منتقل می‌کند. کودک از طریق این خیال‌پردازی‌ها سعی می‌کند پیامدهای رفتاری خود را بهتر بشناسد. رایج‌ترین موضوع‌هایی که کودکان برای انجام بازی‌های خیالی‌شان انتخاب می‌کنند، ماجراهای مرتبط با خانواده است.

نقش‌هایی که کودک در بازی‌هایش انتخاب می‌کند، می‌تواند افکار و حالات احساسی گوناگون او را بازگو کند. گروهی از نقش‌ها مربوط به وظایف افراد است، برای مثال، ماشین بازی نیاز به مسافر و راننده دارد و پذیرش نقش مادر، پدر و کودک در خانواده به برداشت‌های کودک از رفتارها و عکس‌العمل‌های آنان در خانواده ارتباط می‌یابد. کودکان هم چنین نقش‌های شخصیت‌های گوناگون اجتماع، اعم از پرستار، آموزگار و... را از طریق اطرافیان، کتاب‌ها، مشاهده فیلم و... در ذهن خود بازسازی می‌کنند. بازی‌های مرتبط با این نقش، قدرت خلاقیت بیش‌تری طلب می‌کند تا بازی‌هایی که از زندگی روزانه خانوادگی سرچشمه می‌گیرند. در حدود ۵ - ۴ سالگی ایده‌های کودکان درباره بازی‌های اجتماعی و تقلید از نقش‌های اجتماعی رشد چشمگیری پیدا می‌کند.

منابع:

- مهجور، سیامک (۱۳۷۰): روان‌شناسی بازی، تهران، انتشارات راهگشا.

- SHERIDAN, M.D., PLAY IN EARLY CHILDHOOD, FROM BIRTH TO SIX YEARS, PUB. ROUTLEDGE, LONDON & NEW YORK, 1999.

بازی‌های تقلیدی، انعکاسی است

از آن چه کودک در اطراف خود می‌بیند و می‌شنود. والدین و مربیان چنان چه قصدشان پرورش مهارت‌های اجتماعی گوناگون کودک است، می‌توانند با ارائه الگوها و رفتارهای افراد مختلف جامعه، کودک را با نقش‌ها، وظایف، مناسبات و روابط بین افراد آشنا سازند.

کودک از طریق ساختن و پرداختن وسایل بازی‌اش نه تنها یاد می‌گیرد که دست‌هایش را چگونه به کار ببرد، بلکه یاد می‌گیرد که چطور ببیند و دقت کند.

● بازی‌های نمایشی

کودک از طریق مشاهده و تقلید شروع به کشف موقعیت‌ها و شرایط گوناگون می‌کند. او به تدریج استعدادها و قابلیت‌های خودش را بهتر می‌شناسد و یاد می‌گیرد چگونه باید با دیگران رفتار کند. نقش بازی کردن شاید به حداقل امکانات احتیاج داشته باشد. برای مثال، کودک می‌تواند تنها با یک کلاه نقش یک پلیس، یک پزشک یا یک پرستار را بازی کند. بازی‌های نمایشی فرصتی به کودکان می‌دهند تا با دقت به افراد و حرکات آن‌ها توجه کنند و با استفاده از قدرت خلاقه و ابتکاری‌شان تغییراتی در آن‌ها ایجاد نمایند. این بازی‌ها موجب آگاهی اجتماعی کودکان می‌شود.

● بازی‌های با قاعده

این بازی‌ها به کودکان حس مشارکت، همکاری، همدلی،